

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد احمد شاملو
فرستنده: احمد پوپل
۱۸ مارچ ۲۰۲۵

دفتر اول

بهار خاموش

بر آن فانوس که ش دستی نیفروخت	بر آن دوکی که بر رف بی صدا ماند
بر آن آئینه زنگار بسته	بر آن گهواره که ش دستی نجباند
بر آن حلقه که کس بر در نکوبید	بر آن در که ش کسی نگشود دیگر
بر آن پله که بر جا مانده خاموش	کش نهاده دیری پای بر سر
بهار منتظری مصرف افتاد!	به هربامی درنگی کرد و بگذشت
به هر کوئی صدائی کرد و استاد	ولی نامد جواب از قریه، نزدشت
نه دود از کومه ای برخاست در ده	نه چوپانی به صحرا دم به نی داد
نه گل روئید، نه زنبور پرزد	نه مرغ کدخدا برداشت فریاد
به صد امید آمد، رفت نومید	بهار - آری بر او نگشود کس در
درین ویران به رویش کس نخندید	کسی تاجی ز گل ننهاده بر سر
کسی از کومه سربیرون نیآورد	نه مرغ از لانه، نه دود از اجاقی
هوا با ضربه های دف نجبید	گل خودروی برنامد ز باغی
نه آدم ها، نه گاوآهن، نه اسبان	نه زن، نه بچه... ده خاموش، خاموش
نه کبکچیر* می خواند به دره	نه برپسته شکوفه می زند جوش

به هیچ اربابه ای اسبی نیستند	سرود پُتیک آهنگـــــر نیامد
کسی خیشی نبرد از ده به مزرع	سگِ گله به عوعو در نیامد
کسی پیدا نشد غمناک و خوشحال	که پا بر جاده خلوت گذارد
کسی پیدا نشد در مقدم سال	که شادان یا غمین آهی برآرد
غروبِ روز اول لیک، تنهها	درین خلوتگه غوکانِ مفلوک
به یادِ آن حکایت ها که رفته ست	ز عمقِ برکه یک دم ناله زد غوک...
بهار آمد، نبود اما حیاتی	درین ویرانسرای محنت آور
بهار آمد، دریغا از نشاطی	که شمع افروزد و بگشایدش در!

کیک انجیر پرنده خوش آواز چکاوک